

باشنه های آشیل اقتصاد مقاومتی

دکتر محمد رضا رفعتی

توضیح اجمالی:

عبارت شناخته شده ای در میان متون مختلف وجود دارد که می گوید میزان استحکام یک رشته زنجیر برابر است با میزان استحکام ضعیف ترین حلقه آن. در اقتصاد مقاومتی نیز این عبارت قابل تعمیم است. یعنی، مقاومت یک اقتصاد در مقابل ضربه های داخلی یا خارجی، تابع مقاومت ضعیف ترین اجزا آن خواهد بود. بدین ترتیب، ضرورت دارد ضعیف ترین حلقه ها و عوامل موجود در اقتصاد شناسایی شده و در جهت تقویت و استحکام آن ها اقدامات مقتضی صورت گیرد. در بعد عرضه، سرمایه و نیروی کار به عنوان عوامل اصلی تولید مطرح هستند. در این میان، سرمایه و سرمایه گذاری به دلیل حساسیت بالای آن ها نسبت به ریسک و نا اطمینانی از یک سو، و سیال بودن آن ها از سوی دیگر، بیشترین نقش را در ضربه پذیر نمودن اقتصاد ایفا می نمایند. چند سال پیش در جلسه ای با حضور کارشناسان بانک جهانی، یکی از کارشناسان آن بانک به صراحت می گفت که امروزه برای ضربه زدن به یک کشور از گزینه نظامی استفاده نمی شود، بلکه با تقویت جو نا اطمینانی و ریسک به سهولت می توان سرمایه های یک کشور را به کشورهای با ثبات غرب هدایت نمود. امروزه این سیاست عینیت بیشتری پیدا نموده، به گونه ای که در بسیاری از کشور های پیشرفته می توان در قبال سرمایه گذاری و ایجاد شغل، به اجازه اقامت و کار در آن کشور ها دست پیدا کرد. متأسفانه در کشور ما آمار رسمی یا برآورد نسبتاً دقیقی از میزان خروج سرمایه از کشور وجود ندارد، گرچه ارقامی نظیر دهها میلیارد دلار در رسانه های خبری درج گردیده است. در زمینه سرمایه گذاری نیز آمار رسمی در سال های اخیر از سوی بانک مرکزی انتشار نیافته است، لکن آمارهای غیر رسمی از کاهش سرمایه گذاری در صنعت به میزان ۴۱ درصد در سال ۹۱ حکایت دارد.

استدلال مشابهی را در خصوص نیروی کار می توان مطرح نمود. در این زمینه، از دو جنبه میتوان به ضربه پذیری اقتصاد کشور پرداخت. آنچه بیشتر در افواه شایع است بحث فرار مغزهاست که به خروج نیرو های متخصص می پردازد. صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۰۹ ایران را حائز رتبه اول در فرار مغزها اعلام نمود. بنیاد ملی علوم آمریکا نیز اخیراً ایران را به عنوان دومین کشور در زمینه فرار مغزها اعلام کرد. به گفته وزیر علوم، تربیت

یک نیروی نخبه یک میلیون دلار هزینه دارد. به این ترتیب خروج سالانه ۱۵۰ هزار نیروی متخصص از کشور به مثابه از دست دادن ۱۵۰ میلیارد دلار از سرمایه های انسانی کشور و تقدیم آن به کشورهای خارجی است.

نکات کلیدی:

۱. توجه جدی به رشد پایدار در سرمایه گذاری و جلوگیری از خروج سرمایه از کشور، در جهت مقاوم سازی اقتصاد کشور، ضرورت تام دارد. در این راستا اقدامات و سیاست هایی نظیر کاهش تنش های سیاسی داخلی و بین المللی، داشتن راهبرد های مشخص در زمینه تولید و تجارت، عدم تثبیت مصنوعی نرخ ارز و نرخ سود بانکی، تثبیت اقتصاد و کنترل تورم، تقویت سرمایه اجتماعی و حمایت از حقوق مالکیت، بسیار اثر گذار خواهند بود.

۲. عصر حاضر، عصر رقابت و نوآوری است. بنابراین، تخلیه نیروی فکری کشور و تقدیم آن به کشورهای پیشرفته، بیش از پیش اقتصاد کشور را ضربه پذیر خواهد کرد. از این رو، ریشه یابی دلایل فرار مغزها و اتخاذ سیاست ها و اقدامات مناسب جهت حفظ آن در داخل کشور، ضرورت بسیار دارد. در این ارتباط نیز به نظر می رسد توجه به حفظ آرامش در عرصه سیاست داخلی و خارجی، رعایت اصل شایسته سالاری، تقویت آزادی های فردی و اجتماعی، تکریم مادی و معنوی از نخبگان و ایجاد کانال های ارتباطی با نخبگان علمی در خارج از کشور و استفاده از توانمندی های آنان شایان توجه باشد.

۳. ضربه پذیری اقتصاد تنها ناشی از کمبود نیروی متخصص نیست. نیروی کار غیر متخصص نیز چنانچه گرفتار فشار معیشت شود، خواسته یا ناخواسته با میل و رغبت کمتری کار می کند و این نارضایتی، به صورت بهره وری کمتر نیروی کار و بروز تنش های اجتماعی، سیاسی و طبقاتی به ضربه پذیری اقتصاد کمک خواهد کرد. از این رو، کاهش سهم نیروی کار از تولید و درآمد ملی نمی تواند ادامه داشته باشد، بلکه شرایط باید به گونه ای مدیریت شود که عوامل تولید در دوران رونق یا رکود اقتصادی به گونه ای مناسب با افزایش یا کاهش درآمد خود مواجه شوند.

۴. در مجموع، از نکات ذکر شده در سطور فوق چنین بر می آید که نقش سیاست ها و اقدامات داخلی در خصوص مقاوم سازی اقتصاد به مراتب از جلوگیری از شوک های خارجی اهمیت بیشتری دارد، گرچه از مورد دوم هم نباید غفلت کرد.